

بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۹ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ امتاع الاسماء: المقریزی (م. ۸۴۵ق)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق)، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۷ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوك): الطبری (م. ۳۱۰ق)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ق؛ التاریخ الکبیر: البخاری (م. ۲۵۶ق)، المكتبة الاسلامیه، تركيا، دیار بکر؛ تاریخ مدینة دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق)، به کوشش محب الدین العمری، بیروت، دار الفكر، ۱۹۹۵م؛ التبان: الطوسی (م. ۴۶۰ق)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ جمهرة انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ق)، به کوشش گروهی از علماء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق)، به کوشش شعیب الارنؤوط، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ السيرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۸ق)، به کوشش السقا و دیگران، بیروت، دار المعرفه؛ شرح مسلم: النووی (م. ۶۷۶ق)، بیروت، دار الکتب، ۱۴۰۷ق؛ شرف النبی: ابوسعید واعظ خرگوشی (م. ۴۰۶ق)، به کوشش روشن، تهران، بابک، ۱۳۶۱ش؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق؛ عیون الاثر: ابن سید الناس (م. ۷۳۴ق)، بیروت، مؤسسة عزالدین، ۱۴۰۶ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛

مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ معجم البلدان: الحموی (م. ۶۲۶ق)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المنمق: ابن حبيب (م. ۲۴۵ق)، به کوشش احمد فاروق، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۰۵ق؛ نسب قریش: عبدالله الزبیری (م. ۲۳۶ق)، به کوشش لیفی بروفسال، قاهره، دار المعارف.

هاشم مالکی



ابو عبدالله طبری: محدث و مفتی

ایرانی مکه، ملقب به امام الحرمین

ابو عبدالله حسین بن علی بن حسین، مشهور به طبری^۱ در سال ۴۱۸ق.^۲ در آمل طبرستان^۳ زاده شد و در دهه آخر شعبان سال ۴۹۸ق. در ۸۰ سالگی در مکه معظمه درگذشت.^۴ از مدفن وی در منابع ذکرى به میان نیامده است. وی به سال ۴۳۹ق. در ۲۱ سالگی از آمل به نیشابور کوچ کرد و در آنجا فقه را نزد ناصر بن حسین عُمَرى مروزی (م. ۴۴۴ق.)

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۰۳؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۳، ص ۱۱؛ طبقات الشافعیه، ج ۱، ص ۲۶۳.
۲. تاریخ الاسلام، ج ۳۴، ص ۲۷۶؛ طبقات الشافعیه، ج ۱، ص ۲۶۳؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۵، ص ۱۱۰.
۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۰۳؛ تاریخ الاسلام، ج ۳۴، ص ۲۷۶؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۵، ص ۱۱۰.
۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۰۴؛ طبقات الشافعیه، ج ۱، ص ۲۶۳؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۴۰۸.

دارای عقیده اشعری بود.^۶ تنها اثر مشهور بر جای مانده از او *العده* است که شرحی بر *الابانه* اثر فورانی در فروع فقه شافعی است.^۷

◀ **طبری و حج:** مهم ترین بخش زندگی ابو عبدالله طبری، سفر او به مکه و اقامت حدود ۳۰ ساله وی در آن جاست. او به سبب این اقامت طولانی و همجواری با خانه خدا، عنوان «امام الحرمین»^۸ را دریافت کرد و حاصل سال ها تحصیل در حوزه های گوناگون فقه، اصول و حدیث را در قالب تدریس، فتوا، نقل روایت و املاء ارائه نمود.^۹ بدین روی، او را محدث، فقیه و مفتی مکه لقب داده اند.^{۱۰} گروه های بسیار در مکه از وی فقه آموختند و کسانی همچون اسماعیل حافظ، ابوطاهر سلفی، ابوغالب ماوردی، ابوعلی بن سگره، اسماعیل تمیمی، رزین عبدی، قاضی ابوبکر بن عربی، وجیه شخامی و احمد بن محمد عباسی از او حدیث نقل کردند.^{۱۱}

میان طبری و هیاج بن عبید و حنبلیان اهل سنت، در مکه فتنه ها و تیرگی هایی پدید

فراگرفت^۱ و پس از مهاجرت به بغداد که زمان آن دانسته نیست، فقه را از قاضی ابوطیب طبری^۲، صحیح بخاری را از عبدالغافر بن محمد، صحیح مسلم را از عبدالغافر فارسی و دیگر کتب روایی را از دانشورانی چون ابو حفص بن مسرور، ابو عثمان صابونی و کریمه مروزیه^۳ سماع کرد و به جایگاهی ممتاز در فقه، حدیث و اصول رسید.

طبری در سال ۴۸۳ق. در نظامیه بغداد پس از ابوالقاسم دبوسی (م. ۴۸۲ق.) تدریس را آغاز کرد. آن گاه همراه ابو محمد الفامی (م. ۵۰۰ق.) یک روز در میان، در آن جا به تدریس پرداخت. چون غزالی (م. ۵۰۵ق.) به نظامیه قدم گذاشت، آنان به احترام او تدریس را رها کردند. طبری در سال ۴۸۹ق. که غزالی (م. ۵۰۵ق.) نظامیه را ترک کرد، دیگر بار تدریس را از سر گرفت. سپس در سال ۴۹۲ق. بغداد را به مقصد اصفهان ترک کرد.^۴

ابو عبدالله شافعی مذهب بود و به مسلک اشعری نیز آشنایی کامل داشت^۵ و بر پایه نقلی

۱. تاریخ الاسلام، ج ۳۴، ص ۲۷۶؛ طبقات الشافعیه، ج ۱، ص ۲۶۳؛ ج ۴، ص ۳۵۰.
۲. طبقات الشافعیه، ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ ج ۴، ص ۳۵۰؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۴۰۸.
۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۰۳؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۵، ص ۱۱۰.
۴. طبقات الشافعیه، ج ۴، ص ۳۵۰.
۵. العبر، ج ۲، ص ۳۷۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۰۳-۲۰۴.

۶. طبقات الشافعیه، ج ۴، ص ۳۵۰.
۷. طبقات الشافعیه، ج ۱، ص ۲۶۴؛ ج ۴، ص ۳۴۹؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۴۰۸.
۸. تاریخ الاسلام، ج ۳۴، ص ۲۷۶.
۹. طبقات الشافعیه، ج ۱، ص ۲۶۴؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۴۰۸.
۱۰. العبر، ج ۲، ص ۳۷۷؛ معجم المؤلفین، ج ۴، ص ۲۹.
۱۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۰۳-۲۰۴؛ تاریخ الاسلام، ج ۳۴، ص ۲۷۶-۲۷۷؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۵، ص ۱۱۰.

آمد^۱ و در پی شکایت شیعیان به امیر مکه، هیاج به دستور وی تازیانه خورد. به نقل ذهبی (م. ۷۴۸ ق.) او در مکه دارای خاندانی بوده است.^۲

◀ منابع

تاریخ الاسلام: الذهبی (م. ۷۴۸ ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۵ ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ ق.)، به کوشش الارنؤوط، بیروت، الرساله، ۱۴۰۶ ق؛ شذرات الذهب: عبدالحی بن عماد (م. ۱۰۸۹ ق.)، به کوشش الارنؤوط و دیگران، دار ابن کثیر، دمشق، ۱۴۰۶ ق؛ طبقات الشافعیة الکبری: تاج الدین السبکی (م. ۷۷۱ ق.)، به کوشش الحلو و دیگران، هجر للطباعة و النشر، ۱۴۱۳ ق؛ طبقات الشافعیة: ابن قاضی شعبة الدمشقی (م. ۸۵۱ ق.)، به کوشش الحافظ عبدالعلیم خان، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۷ ق؛ العبر فی خبر من غیر: الذهبی (م. ۷۴۸ ق.)، به کوشش محمد السعید، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ معجم المؤلفین: عمر رضا کحاله، بیروت، التراث العربی؛ موسوعة طبقات الفقهاء: اللجنة العلمیة فی مؤسسة الامام الصادق (ع)، مؤسسة الامام الصادق (ع)، قم، ۱۴۱۸ ق؛ السوافی بالوفیات: خلیل بن ایبک الصّدی (م. ۷۶۴ ق.)، بیروت، دار النشر، ۱۴۱۱ ق.

علی اصغر احمدی



ابو عُبَیْدَه جَرَّاح: صحابی مشهور، نقش‌آفرین در ماجرای سقیفه

عامر بن عبدالله بن جراح (م. ۱۸ ق.)، مشهور به ابو عبیده جراح، صحابی پیامبر (ص) و از تیره بنی حارث بن فهر از قریش بود. در نسب او پس از ذکر کنیه، بر خلاف رسم عرب، نام جد (جراح) به جای آمده است.^۳ وجهی برای این نام در منابع یاد نشده است؛ اما با توجه به فراوانی آن می‌توان گفت از اسامی رایج در میان اعراب بوده؛ گرچه به معنای پزشک جراح نیز به کار رفته است.

ابو عبیده یکی از ۱۷ نفر با سواد مکه هنگام ظهور اسلام بود.^۴ وی در روزگار جاهلیت برای مکان گورکنی می‌کرد.^۵ درباره پدر او سخنان متناقض گفته‌اند. بر پایه نقلی، پدر وی پیامبر (ص) را درک کرد و اسلام آورد.^۶ بر پایه گزارشی دیگر، پدر او از مخالفان پیامبر (ص) بود و ایشان را سب می‌کرد. گفته‌اند: به همین سبب، ابو عبیده در جنگ بدر سر پدر خود را برید و نزد پیامبر (ص) آورد.^۷ صحت این گزارش با تردید روبه‌روست؛ زیرا به گفته

۳. نک: انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۵۷؛ ج ۱۱، ص ۶۷ تاریخ دمشق، ج ۲۵، ص ۴۴۳؛ الاصابه، ج ۳، ص ۴۷۵.

۴. فتوح البلدان، ص ۴۵۷.

۵. السیره النبویه، ج ۲، ص ۶۶۳.

۶. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۵۷.

۷. البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۸۷.

۱. تاریخ الاسلام، ج ۳۴، ص ۲۷۷؛ طبقات الشافعیة، ج ۴، ص ۳۵۰؛

شذرات الذهب، ج ۳، ص ۴۰۸.

۲. تاریخ الاسلام، ج ۳۴، ص ۲۷۶.